

خرگشای رضوی

حکمرانی آب، فاقد ریل گذاری

زنگ هشدار برای فرسایش و هدررفت منابع به صدا درآمده است، حکمرانی منابع

نیازمند سیاست گذاری اصولی است نه اقدامات شعاری

صفحه اول



چواد خواجهی، بازیگر مشهدی
«کلینیک رویا» در گفت و گو با خراسان از
حضور در این سریال شبکه ۳ می گوید

کلینیک رویا؛ از سانسور
تا بازخوردهای مثبت

صفحه ۲

روایت خراسان از دیدار بانوان خبرنگار

با مادر شهید رئیسی در آستانه دومین
سالروز تشییع شهدای خدمت

در کنار مادر در آغوش وطن

به همراه جمعی از بانوان خبرنگار رسانه های مشهد، مهمان خانه مادر رئیس جمهور شهید آیت ا... رئیسی شدیم؛ خانه ای که از همان لحظه ورود، آدم را با سادگی بی ادعایش غافلگیر می کرد. حیاطی با صفا با باغچه ای کوچک، خانه ای جمع و جور. خانه که نه اتاقی بود و آشپزخانه ای و... باورش سخت بود؛ این جامنزل مادر شخص دوم کشورم ایران بوده است. به گزارش خراسان رضوی، دو سال از شهادت خادم الرضای گذرد...

صفحه ۲

افزایش قیمت نان روی میز

رئیس اتحادیه نانویان مشهد: پیش بینی ما برای برخی نان های سنتی افزایش ۸۰ تا ۹۰ درصدی بوده، هرچند هنوز مشخص نیست

شکات جزو بیشترین خیرین ستاد ديه

گزارشی از روند کند تکمیل پژوهشکده موسیقی و ورزشگاه ۵ هزار نفری تربت جام

۱۸ سال انتظار برای

تکمیل ۲ پروژه

درباره برداشت برگ انگور در شهرستان خلیل آباد که بخش قابل توجهی از آن به برخی از کشورها صادر می شود

برگ ارزآور

آزمون ایمنی مجموعه های آبی

معاون اداره کل استاندارد:

اخیرا ۵۳ سرسره آبی

غیراستاندارد در یک

مجموعه آبی پلمب شد؛

کنترل های ادواری هر

سه ماه یک بار انجام می شود

اقتصادی، شاخص ملی و علنی داشته باشد. تا زمانی که چیزی سنجیده نشود، جدی گرفته نمی شود و قابل ارزیابی و نظارت هم نیست. رهبر شهید انقلاب، با تعیین و ابلاغ سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف در سال ۱۳۸۹ به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، بسیار هوشمندانه او لویت ها و اقدامات بنیانی برای اصلاح الگوی مصرف در تمامی سطوح و تعیین نصاب های کاهش مصرف را تبیین فرمودند که بر مدیریت منابع ملی و استفاده بهینه از آن ها به عنوان بخشی از ضرورت های حفظ حاکمیت و استقلال اقتصادی تأکید دارد و به عنوان سندی مادری می بایست در دستور کار همه ارکان نظام قرار گیرد و بر همین مبنا، قوانین مورد نیاز و صال البته باز دارند به برای اصلاح الگوی مصرف در تمامی بخش ها تدوین و توسط دولت به درستی اجرا شود؛ موضوعی که به نظر می رسد تا کنون مغفول واقع شده است.

هشدار اصلی این یادداشت ساده است: ایران بر خوردار از نفت، گاز، آفتاب، زمین و نیروی انسانی، در حال فرسودن همان پایه های مادی امنیت و توسعه خود است. بحران فرسایش منابع، اگر چه یک هشدار جدی است، اما می تواند فرصتی برای بازسازی ساختار های نا کارآمد باشد. اگر بتوانیم باتکیه بر قوانین موجود و با ایجاد یک جبهه واحد ملی، مدیریت منابع را از حالت «واکنشی» به حالت «پیش گیرانه» تغییر دهیم، نه تنها از هدررفت جلوگیری می کنیم، بلکه «بهره وری» را به موتور محرک جدید اقتصاد تبدیل خواهیم کرد.

پس اگر قرار است از «جهاد صرفه جویی» سخن گفته شود، سنگر اول آن نه فقط آشپزخانه و کولر و بخاری خانه مردم، بلکه پالایشگاه، نیروگاه، چاه کشاورزی، شبکه آب، پوسته ساختمان، استانداردها تجهیزات، الگوی کشت و نظام قیمت گذاری و سایر مسائل حکمرانی است. صرفه جویی در معنای واقعی اش کم مصرف کردن نیست؛ درست مصرف کردن است و درست مصرف کردن، پیش از همه، وظیفه نظام حکمرانی است که باید با قانون، قیمت، فناوری و نظارت، اتلاف را برای همه بازیگران هزینه کند.

تأمین انرژی از نور خورشید دارد و این در شرایطی است که بیشترین میزان تابش خورشید به آلمان از کمترین میزان تابش به ایران کمتر است! البته خبر خوب این است که اخیرا با سیاست گذاری درست دولت، اقدامات مناسب و درخور تقدیری برای احداث گسترده نیروگاه های خورشیدی، افاق های روشنی را گشوده، اما لازم است سهم نیروگاه های تجدیدپذیر و پاک چندین برابر هدف گذاری و اجرا شود.

ما متأسفانه به مزیت های اقتصادی کشور از قبیل نفت، گاز و صنایع پایین دستی آن، تجارت بین المللی، اقتصاد دریایی، ترانزیت، گردشگری و انرژی های تجدیدپذیری توجه بوده ایم و به فرسایش خاک و منابع آبی خود برای ایجاد درآمد از بخش کشاورزی رو آورده ایم.

قیمت پایین انرژی و اعطای یارانه های گسترده و کور، سیگنال غلط به مصرف و سرمایه گذاری می دهد؛ تجهیزات فرسوده، راندها را پایین می آورند و با این فرمان، سیستم به جای اصلاح، فقط بزرگ تر و پرشتی تر می شود. بسیار بدبختی است این نارسایی ها محصول و معقول نوع حکمرانی و سیاست گذاری های ما بوده که تبدیل به روزمره زندگی دولت و مردم شده است. استمرار یا تغییر این شرایط، صرفا نیازمند سیاست گذاری در نحوه مدیریت بخش های اقتصادی، بهره وری، نفت و گاز، ساختمان، حمل و نقل، کشاورزی، مدیریت آب، برق، سوخت و... است و اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی بیش از آن که در انتهای زنجیره، بین مردم عادی، ترویج همگانی شود، نیازمند مدیریت و راهبری اصولی و بهینه در ابتدای زنجیره توسط اجزای دولت است.

اولین گام، تغییر زاویه دید است: سیاست گذار باید «اتلاف منابع» را یک مسئله امنیت اقتصادی و حکمرانی بداند، نه صرفا یک مسئله فرهنگی. معنای عملی این حرف آن است که برای هر بخش، سقف اتلاف، شاخص رسمی و گزارش دهی عمومی تعیین شود. فلر سوزی، تلفات شبکه برق، آب بدون درآمد، تلفات پس از برداشت، شدت انرژی ساختمان ها و مصرف ویژه آب در هر محصول کشاورزی و مسائل دیگر؛ باید مثل تورم و رشد

کشت نامتناسب، آبیاری نا کاراو فشار فراینده بر آب های زیر زمینی اداره شده و دارای بیشترین هدررفت آب است. مصارف خانگی و صنعتی آب نیز، بسیار غیر بهینه بوده و از نرم جهانی بالاتر است. لوله کشی های قدیمی و فرسوده نیز موجب هدررفت ۱۰ درصدی آب می شود و این یعنی پیش از آن که شهر وند شیر آب را باز کند، بخشی از آب اصلا در مسیر از دست رفته است.

در بخش بهره داری از معادن نیز تلفات زیادی داریم و به دلیل عدم بهره داری اصولی و اقتصادی با حجم عظیم باطله موا جهیم و متأسفانه این قصه پر غصه به حوزه های دیگر اقتصادی کشور هم، امتداد می یابد. قطعاً تبعات ویرانگر این حجم از هدررفت منابع و محصولات در کشور، برای همگان روشن بوده و چند دهه ای است که هشدار های علنی و عمومی صادر شده و حتی قوانین ریز و درشتی نیز برای مقابله با این شرایط تصویب شده است، اما واقعیت آن است که این دست از اقدامات نه کافی بوده و نه اثر گذار.

اگر ریشه بحران را در دست نبینیم، نسخه غلط می پیچیم، این که در مواجهه با چنین مسائل ساختاری کشور، صرفا مخاطب مادر «صرفه جویی» مردم باشند و برای آن ها مجموعه ای از «بایدها و «نبایدها» ی شعاری صادر کنیم، رفع تکلیف کرد و آدرس غلط دادن است؛ بدبختی است راهکار را نباید در شیوه های شعاری و سنتی ترویج صرفه جویی جست و جو کرد، بلکه بخش عمده این مشکلات صرفا از طریق سیاست گذاری در نظام حکمرانی و در ۳ بخش تقنین، اجرا و نظارت قابل حل است.

صورت بندی درست مسئله این است: بحران هدررفت منابع در ایران، بحران نبود سیاست گذاری اصولی، تنظیم گری مؤثر، نبود سنجه های الزام آور و نبود پیوند میان قیمت، فناوری و نظارت است.

گزارش های رسمی حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۴، آلمان حدود ۶۲ درصد از انرژی خود را از انرژی های تجدیدپذیر تأمین کرده و ۱۴/۵ درصد از خالص برق تولیدی آن، از نور خورشید تأمین شده است، اما ایران، کشوری که در کمربند انرژی خورشیدی جهان قرار گرفته سهم بسیار ناچیز را در

مصرف انرژی در کشور ما چندین برابر میانگین جهانی است. این یعنی بخش قابل توجهی از ثروت ملی ما، نه در جهت توسعه و رفاه، بلکه در مسیر اتلاف هدر می رود. از اتلاف انرژی در سیستم های گرمایشی و سرمایشی ساختمان ها گرفته تا مصرف بی رویه در حمل و نقل و صنایع، همگی نشان دهنده این است که مادر حال سوز اندن آینده خود هستیم. در حوزه های دیگر مانند صنعت و ساختمان نیز، اتلاف مواد اولیه به دلیل عدم دقت در تولید، طراحی غیر اصولی و مصرف گرایی افراطی، بخش دیگری از این بحران را تشکیل می دهد. سراسره مصرف انرژی (گاز و برق) در بخش خانگی در ایران بین ۱/۵ تا ۲ برابر کشورهای توسعه یافته اروپایی است و این در حالی است که در حوزه برق، متأسفانه با سوزندان منابع طبیعی (سوخت های فسیلی) بسیار غیر بهینه و پرهزینه، برق تولید می کنیم به طوری که حدود ۸۰ درصد از برق کشور با گاز تولید می شود؛ با وجود این وابستگی عظیم، حدود ۱۰ درصد برق تولیدی نیز در شبکه انتقال و توزیع تلف شده است و از آن بدتر این که به دلیل مدیریت غیر بهره وری و وضعیت، برقی که با هزینه گزاف به دست می آید با هزینه ای ناچیز برای استحصال و مزارز در اختیار عده ای سودجو قرار می گیرد تا ایران به بهشت ماینر های دنیا تبدیل شود!

در غذا و کشاورزی نیز ماجرا به همان اندازه نگران کننده است. میزان ضایعات محصولات کشاورزی و غذایی در ایران، از مزه تا سفره، یکی از بالاترین ها در جهان است. گزارش های رسمی بخش کشاورزی، سال هاست از تلفات پس از برداشت در حدود یک چهارم تا نزدیک یک سوم کل تولید سخن می گویند. حدود ۲۵ درصد از محصولات کشاورزی به علت تولید نامناسب در مسیر کاشت، داشت و برداشت، کیفیت خود را از دست داده و از چرخه مصرف خارج می شود. این فقط هدررفت غذا نیست؛ آبی که برای تولید مصرف شده، انرژی ای که صرف پمپاژ، حمل و نقل و فرآوری شده و خاکی که فرسوده شده نیز، همراه آن هدر رفته است.

در موضوع آب متأسفانه حدود ۹۲ درصد آب به حوزه کشاورزی اختصاص دارد؛ همان بخشی که سال هاست با استمرار کشاورزی سنتی، الگوهای



یادداشت

حسین امامی راد

نماینده مردم چناران، طر قبه شانزدین و گلپهار در مجلس

حکمرانی آب، فاقد ریل گذاری

زنگ هشدار برای فرسایش و هدررفت منابع به صدا درآمده است، حکمرانی

منابع نیازمند سیاست گذاری اصولی است نه اقدامات شعاری

برسد. مسئله فقط این نیست که مردم در خانه آب، برق، گاز یا نان را چطور مصرف می کنند؛ مسئله این است که در بالادست زنجیره، خاک فرسوده می شود، آب در کشاورزی کم بازده و شبکه های فرسوده از دست می رود، گاز در مشعل های سوزده، برق با راندها ن پایین تولید و در شبکه تلف می شود و بخشی از غذای تولید شده هرگز به سفره نمی رسد.

داده های بانک جهانی، آژانس بین المللی انرژی، سازمان خوار بار و کشاورزی ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر نشان می دهد که این اتلاف ها ساختاری، چند بخشی و در بسیاری موارد دیالاستی اند؛ بنابراین تقلیل بحران به کمتر مصرف کردن مردم، آدرس ناقص و گاهی آدرس غلط دادن است.

متأسفانه گزارش های رسمی حاکی از آن است که ایران، رتبه یک فرسایش خاک را در دنیا دارد. در حوزه انرژی، اتلاف به بخشی از معماری سیستم تبدیل شده است. ایران در داده های ۲۰۲۴ بانک جهانی پس از روسیه دومین کشور بزرگ جهان در مشعل سوزی گاز است. در مصرف بنزین با استمرار الگوی سنتی استفاده از خودرو های شخصی، چند برابر استاندارد جهانی مصرف داریم، در مصرف گاز خانگی و سوخت مورد نیاز صنایع، سراسره مصرف بسیار بالاتر از میانگین جهانی است.

ایران یکی از بزرگ ترین تولید کنندگان نفت و گاز در جهان است، اما به دلیل یارانه های سنگین، قیمت گذاری غیر واقعی و عمدتاً فناوری های قدیمی و نا کارآمد در صنایع و ساختمان ها، سراسره

در حالی که اقتصاد جهانی با چالش های تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع دست و پنجه نرم می کند، ایران با وضعیتی پیچیده تر روبه روست. تلاقی فشار ناشی از تحریم ها، نوسانات ارزی و ساختار سنتی مدیریت منابع، ما را در موقعیتی قرار داده که «فرسایش و هدررفت منابع» دیگر تنها یک موضوع زیست محیطی نیست، بلکه یک تهدید استراتژیک برای امنیت ملی و پایداری اقتصادی کشور محسوب می شود.

بر کسی پوشیده نیست که کشور عزیزمان ایران، با وجود برخورداری از ثروت های طبیعی فراوان از قبیل نفت، گاز، مواد غنی معدنی، آب و مواهب طبیعی دیگر و امکان بهره گیری از این منابع در جهت شتاب بخشی به روند توسعه و پیشرفت کشور، متأسفانه به دلیل عدم حکمرانی در ست و اصولی در مدیریت منابع، با فرسایش و هدررفت شدید منابع مواجه است که این موضوع بارها بارها مورد نقد رهبر شهید انقلاب و دلسوزان کشور بوده است.

ناتوانی در مدیریت در ست منابع، ثروت های عظیم خدادادی کشور را به چالشی عمیق برای بقا و پیشرفت تبدیل کرده است. آمار ها نشان دهنده است؛ میزان هدررفت منابع در ایران، در بسیاری از حوزه ها، چندین برابر استانداردهای جهانی است. این وضعیت، به بحرانی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بدل شده که تداوم آن، موجب به خطر افتادن آینده کشور و نسل های بعدی خواهد شد.

در ایران، بخش بزرگی از اتلاف منابع پیش از آن رخ می دهد که اصلا به دست مصرف کننده نهایی



هم امتحانش

مجانیه

هم خودش

خراسان
KHORASAN.NET

